

درس یازده: سپیده می آید

صدای سَمّ سمند سپیده می آید / یلی که سینه ظلمت دریده می آید

سمند سپیده: اضافه تشبیهی / واج آرایی — د / ظلمت نماد ظلم و ستم / واج آرایی «س» / سپیده مجاز از افق (کرانه آسمان) / آمدن صدای سَمّ سمند سپیده کنایه از آگاهی یافتن از آمدن کسی / دریدن سینه ظلمت کنایه از پیروزی بر ظلم و ستم / سینه ظلمت: اضافه استعاری (تشخیص) / سپیده، ظلمت: تضاد

گرفته بیرق تابان عشق را بر دوش / کسی که دوش به دوش سپیده می آید

دوش سپیده: تشخیص / دوش ایهام تناسب دارد ۱- شانه (ق ق) ۲- دیشب (متناسب با سپیده) / واج آرایی «ش-ب-د» / بیرق عشق: اضافه تشبیهی / دوش به دوش سپیده آمدن کنایه از امید بخش بودن / دوش: تکرار / دوش به دوش سپیده: اضافه استعاری (تشخیص) / بردوش گرفتن بیرق کنایه از حرکت و قیام

طلوع بر که خورشید تابناک دل است / ستاره ای که ز آفاق دیده می آید

دل و دیده: مراعات نظیر / طلوع برکه، آفاق دیده: اضافه استعاری / برکه خورشید، خورشید دل: اضافه تشبیهی / مانند کردن «آمدن ستاره های اشک از چشم» به «طلوع خورشید از آفاق»: تشبیه / ستاره استعاره از اشک / طلوع، خورشید، تابناک، ستاره، آفاق: مراعات نظیر / واج آرایی —

بهار آمده با کاروان لاله به باغ / به دشت ژاله گل نودمیده می آید

لاله، ژاله: جناس ناهمسان / واج آرایی «ب-ا» / نسبت دادن «آمدن با کاروان لاله» به «بهار»: استعاره (تشخیص) / بهار استعاره از پیروزی و آزادی / کاروان لاله استعاره از شهیدان / باغ و دشت ژاله استعاره از کشور ایران / ژاله استعاره از اشک مردم ایران / گل نودمیده استعاره از شهید / کاروان لاله: اضافه تشبیهی / بهار، لاله، باغ، دشت، ژاله، گل: مراعات نظیر

به سوی قله بی انتهای بیداری / پرنده ای که به خون پرکشیده می آید

واج آرایی «ب» / پرنده، پرکشیدن: مراعات نظیر / قله بیداری: اضافه استعاری / قله بی انتها: اغراق / پرنده استعاره از شهید / خون مجاز از شهادت / پرکشیدن کنایه از پرواز کرد: در اینجا یعنی شهید شدن /

در آن کران که بود خون عاشقان جوشان شهید عشق سر از تن بریده می آید

عشق، عاشقان: اشتقاق/ کران استعاره از آرامگاه شهیدان/ جوشان بودن خون کنایه از زنده و جاوید بودن/ سر از تن بریده کنایه از جانفشانی و پاکبازی شهید/ جوشان بودن چیزی در کرانه: متناقض نما (کرانه به معنای ساحل است و آب در دریا (عمق دریا) جوشان است و جوشیدن آن در کرانه تناقض دارد)/ در، سر: جناس ناهمسان

به پاسداری آیین آسمانی ما گزیده ای که خدا برگزیده می آید

آیین، آسمانی، خدا: مراعات نظیر/ واج آرایبی «د»/ واج آرایبی — / گزیده، برگزیده: اشتقاق (هم ریشگی)

درس یازدهم: فصل عاشقی

بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم

عاشق، عاشقی: جناس ناهمسان، مراعات نظیر و اشتقاق/ واج آرایبی «ا»

از آنها که خونین سفر کرده اند سفر بر مدار خطر کرده اند

واج آرایبی «ر»/ تکرار: سفر/ سفر خونین کردن کنایه از شهادت/ بر مدار خطر سفر کردن کنایه از شجاعت و دلآوری/ مدار خطر: اضافه استعاری

از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحرزادشان

خورشید، سحر، دمیدن: مراعات نظیر/ فریاد و گلو: مراعات نظیر/ دمید: ایهام تناسب (۱- سرزد (قابل قبول) ۲- فوت کرد (غیر قابل قبول و متناسب با گلو)/ گلو مجاز از دهان/ خورشید فریاد: اضافه تشبیهی/ گلوی سحرزاد: استعاره (تشخیصی)/ زاده شدن گلو از سحر/ سحر زاد کنایه از امید بخش

چه جانانه چرخ جنون می زنند دف عشق با دست خون می زنند

جنون استعاره از عاشقی/ چرخ جنون زدن، دف عشق زدن کنایه از عاشقی/ با دست خون دف عشق زدن کنایه از شهادت عاشقانه/ دست خون اضافه استعاری/ خون مجاز از شهادت/ دف عشق: اضافه تشبیهی

به رقصی که بی پا و سر می کنند چنین نغمه عشق سر می کنند

سر (عضو بدن) و سر (آغاز): جناس همسان/ بی پا و سر رقصیدن: متناقض نما/ پا، سر: مراعات نظیر/ بی پا و سر رقصیدن کنایه از جان دادن/ بی پا و سر کنایه از تکه تکه بودن بدن شهید/ سردادن کنایه از خواندن نغمه و رقص: مراعات نظیر/ بین نغمه و عشق رابطه تشبیهی وجود ندارد.

هلا مُنکرِ جان و جانان ما بزن زخم انگار بر جان ما

واج آرایبی «ا»/ «منکر و انکار» و «جان و جانان»: اشتقاق/ زخم انکار: اضافه تشبیهی/ جان: تکرار/ واج آرایبی «ن»

بزن زخم، این مرهم عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

زخم و عاشق: تکرار/ مرهم بودن زخم: متناقض نما/ زخم، مرهم: تضاد/ زخم، مرهم، مردن: مراعات نظیر

مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

واج آرایبی «ش»/ سوختن جان کنایه از شدت رنج/ «فرط، شرط» و «جان و هان»: جناس ناهمسان (ناقص)

بین لاله هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

باغ و لاله: مراعات نظیر/ واج آرایبی «ا»/ لاله استعاره از شهید/ باغ استعاره از کشور/ فریاد داشتن با وجود خاموشی: متناقض نما/ بلندی فریاد شهیدان: اغراق

بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله ها را حمایت کنیم

لاله و آلاله: جناس ناهمسان/ بیا و با: جناس ناهمسان/ گل، لاله، آلاله: مراعات نظیر/ لاله، آلاله استعاره از شهیدان